

روایت هفته

شنبه: سرمربی در سیل
ای کاش که زیر سیل خوزستان بود یا خسته ز آلودگی تهران بود تا بهر نجات "استراماچونی" مسئول، به فکر چاره ی بحران بود

یکشنبه: مصی تلکه
برای پول، با هر کس دهد دست سرش در آخور هر شومیت پست نشد سیر و به جان ملت افتاد گمانم در uhs یونجه قحط است

دوشنبه: بحران مدیریت
نه نمایان! نه پیامی! نه لاف زنگی! نه قبل آمدنش پرت کرده او، سنگی! شدیم هر دفعه ما سورپریز از بحران چقدر بیهوپی و هول و بی هماهنگی!

سه شنبه: بودجه و اسحاق
در لایحه، هر کس خلی یافت، عیان! باید بشود کر و کر و بسته‌دهان! جان تو فقط سوء تفاهم بوده قیل از تو، تمام "خفه خون" های جهان

چهارشنبه: پیغام زاین
الا ایرانیان! حالم خراب است بدانید این پیام شینزوا به ست: که در زاین رود در حبس حتما هر آن مسئول که شش سال خواب است

پنج شنبه: سالروز امضای کری
تدبیر و امید خسته و سست بیر با سنگ و بربری کمی تست بیر یک میز مدیریت خالی اینجاست امضای کری بیاور و پست بیر زهرافرقانی



سه منشور اخلاقی در پیام‌های بازرگانی

"بگذار تنت انتخاب کنه"

دستان را ببندازید پایین؛ چقدر آیتک و جنس لباس را وارسی می کنید! بگذارید این بیار تنتان برای خودش لباس انتخاب کند حالا این وسط ممکن است دست روی شلواری بگذارد که از شدت پارگی فقط کمرش مانده باشد یا قیمتش در حد قسط وام مسکنتان باشد، به خودتان فشار نیاورید مهم این است وقتی راه می‌روید همه از تیپ شما انگشت به دماغ بمانند.

"کدومشو بدم"

شاید خود اسکیتر هم نمی‌دانست نظریه "تکرار" در پیام بازرگانی اینقدر کاربرد داشته باشد و الا این همه موش و کبوتر را پای آزمایش‌هایش نگه نمی‌کرد، ولی ما نمی‌گذاریم زحمت اسکیتر زمین بماند. ما آنقدر تکرار می‌کنیم تا بخرید، تا فاکتور خریدش را هم ببینیم از رو نمی‌رویم. این اعتقاد ماست شیر ماست دوغ ماست کشک ماست. کدومش بدم؟

"گرون نه خریا"

ما به جای شما به جاهای ارزان قیمت می‌رویم و آدرسش را بریتان گیر می‌آوریم. فقط بعضی چیزها را به دل نگیرید، اگر یک تختون کمه باید در جریان باشید چند تخته بگیرد تا دچار عذاب وجدان نشوید. البته اگر بجای فرش، موکت به شما انداخته‌اند، جواب ما به شما این است: می‌خواستید گول نخورید به ما چها!



نامه‌ای از چاکر به حاکمی که در مرخصی است

از چاکرتان به حاکم بلاد

تصدقات شوم، کجایی؟ از احوال بلاد اگر بی‌رسید چند روزی است قنوات و چاه‌های آب و فاضلاب جوش خروشی راه انداخته و به جای اینکه پایین بروند بالا می‌آیند بی وجودها. نمی‌دانم این سیراب سلطون بازی‌ها چیست که این ابرها در می‌آورند. فی الحال مکتب خانه هایمان نیز تعطیل شده است و دانش آموزان چند روزی است در خانه شلنگ تخته می‌اندازند. مجبور به تعطیلی شدیم زیرا باید به همه شناسا و طریقه روی آب مکاتبه کردن را می‌آموختند که این امر بسی پرهزینه بود و از اندازه جیب ما خارج. استاد بلایای یکهویی بلاد ما از این فاجعه، خودش دچار حادثه یکهویی شده است. چاکر تان به شخصه چند نفر مامور فرستاد تا به تعقیب قورباغه های بلاد بروند و نگذارند ابوطبا بخوانند و به جای "دوست دارم زندگی رو" را بخوانند، اما میسر نشد و قورباغه های بلاد مع الاسف بسی چموش تشریف دارند. بخدا از دست این آب عاصی شده ایسم و جانمان به لب رسیده. قرباتان گرم اگر میسر است سفر کوتاه کنید و زودتر بر دیده منت گذارید تا ببینیم چه باید کرد در این آشفته بازار.

روال اداری پیگیری رفع آلودگی هوا و سیل و ریزگرد و...

با دوفازش موافقت می شود

پن: ۵ کیلو آب گیری برامون بذار کنار.

از مسئول مربوطه به کمیته مرکزی مدیریت بحران سلام

باتوجه به افزایش شاخص‌های آلودگی هوا لطفا دستورات لازم را صادر فرمایید.

از کمیته مرکزی مدیریت بحران به مسئول مربوطه با علیک سلام

باتوجه به آنکه صرف آلودگی هوا و بالا رفتن شاخص‌های مربوطه ذاتا یک امر بحرانی تلقی نمی‌شود، لذا فعلا تصمیم‌گیری در اینباره در حیطه وظایف این کمیته نمی‌باشد. علی ای حال می‌توانید بگویید فعلا بیماران قلبی بیرون نیابند.

از مسئول مربوطه به کمیته مرکزی مدیریت بحران با دوباره سلام

طبق گزارش‌های دریافتی شاخص آلودگی هوا رسماً وارد وضعیت اضطرار شده است. در صورت صلاحدید تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید.

از کمیته مرکزی مدیریت بحران به مسئول مربوطه با دوباره علیک سلام

با تشکر از پیگیری شما، از آنجا که مسئول خرید کمیته به مرخصی زایمان رفته است، فعلا امکان تهیه برتقال لامپ فشارقوی روشن کنیم که کار خورشید را بکند. فلذا خواهش می‌شود جهت نصب لامپ، با درخواست برق سه فاز موافقت کنید.

از مسئول مربوطه به کمیته مرکزی مدیریت بحران با بازم سلام

ضمن قدردانی از مسئولیت‌شناسی و مدیریت جهادی آن کمیته به عرض می‌رساند باتوجه به تداوم وضعیت آلودگی هوا، و همچنین موانع جدی بر سر راه تشکیل جلسات کمیته مرکزی مدیریت بحران، خودمان گفتیم مدارس هم تعطیل شوند.

از کمیته مرکزی مدیریت بحران به مسئول مربوطه با سلام جیگر

ضمن تشکر از مدیریت پویا و چابک شما، به عرض می‌رساند بچه مسئول خرید بعثت آلودگی هوا سقط شده و لذا ایشان از هفته بعد به سر کار برمی‌گردند. فلذا اگر کاری بود بدون تعارف بفرمایید. ضمناً دقت کنید حالا که خودتان وارد عرصه تصمیم‌گیری شدید همه مقاطع را یکبار تعطیل نکنید. از دبستان شروع کنید بروید بالا.



فروغ زال

نیازمندی انتخاباتی

شهردارها! شورای شهرها! سایر منسوبین! هوای آلوده شهر خود را به ما بسپارید «شرکت تهیه و پخش آروغ‌زنان ترپه‌خوار اصل»

شرکت کننده مراسم ختم، خاکسپاری، جشن تولد، بله‌بران، ختنه‌سوران و گود پای پمپرز شما هستیم «اطلاع و هماهنگی با دفتر مرکزی جناب آقای حاج دکتر مهندس کاندیدی محبوب و مردمی»



چه خبر از رسیدن گاز به زاهدان؟ بوس به زاهدان رسید!

شش ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۲ تبلیغات گسترده ای در مورد رسیدن گاز به زاهدان شد. اما این روزها صف‌های طولی کیسول گاز در این شهر مانند دم خروس بیرون زده، برای روشن شدن این قضیه به سراغ تعدادی از اهالی که در صف ایستاده بودند رفتیم. و از آنها پرسیدیم: «مگه گاز به زاهدان نرسیده بود؟»

یار محمد بیست ساله در ابتدای صف نمی‌دونم، همون موقع هم تو صف کیسول بودم! احمد مردی ۵۰ ساله در اوایل صف اون موقع رفتم فرمانداری گفتم چرا دروغ می‌گین. یکی از مسئولین صورتی رو بوسید گفت: هیس! آگه رای بیاره میرسه. ولی چیزی که تا الان به ما رسیده همون بوس بود!

مردی کت شلواری در اواسط صف: من به گاز کار ندم. از اداره ورزش و جوانان اومدم به استقلالیا بگم نگران نباشن عمه من تو ایتالیا زندگی می‌کنه گفتم بره با عمه استراماچونی حرف بزنه الان علاوه بر مذاکرات شبانه روزی مسئولین وزارت ورزش، با وزارت ورزش شون، سفیر مون و سفیر شون، وزارت خارجه دو طرف، ادارات آب و فاضلاب ونیز و اهواز، اتحادیه دیزی و قورمه سبزی با اتحادیه پیترزا و حراست منار جنوبی با حراست برج پیترزا مذاکرات در سطح دو عمه هم شروع شده!

ریعی سخنگوی دولت: آگه رئیسی اومده بود الان تو صف هیزم بودین پس صف تون رو وایستین و غر نزنین!



تویزیر علامت دادن با دود!

«شبکه ملی اطلاعات را آنچنان تقویت کنیم که مردم نیازی به خارج نداشته باشند». رئیس این دولت، ضمن بیان این مطلب در این مجلس، از تقویت «آنچنان» چیزهای دیگری هم خبر داد که هنوز اطلاعی از آنها نداشت. وی به نمایندگان مجلس قول داد که قبل از پایان این دوره مجلس، بقیه چیزهایی که باید «آنچنان» تقویت شوند را از دفتر می‌پرسد و می‌گوید. حسن فریدون (معروف به روحانی) در ادامه سخنانش که در جلسه ارائه بودجه سال ۹۹ زده می‌شد، به مردم اطمینان داد که همانطور که وضعیت اقتصادی را آنچنان تقویت کردیم و الان دیگر مردم به یارانه احتیاجی ندارند، به زودی همه چیزهای دیگر مردم را هم آنچنان تقویت می‌کنیم که به هیچ چیز احتیاج نداشته باشند، حتی! وی از «آنچنان» دیگر مسائل و مشکلات کشور توسط دولت خودش خبر داد و اضافه کرد.

گفتنی است، پس از این سخنان رئیس دولت، قیمت مودم‌های Dialup در بازار به شدت افزایش یافته و شهریه دوره‌های «علامت دادن با دود» و «مورس»، بیش از سیصد درصد گران شده است.



روزی روزگاری تیان

برشی از کتاب خاطرات سردار نامتدگی

با هلی کوپتر شهرداری (تهران)، به لتیان آمدیم. همه جا را دود گرفته بود، خلیبان گفت نمی‌تواند بنشیند. طناب انداختیم پیاده شدیم. بچه‌ها بدون طناب پریدند پایین. من هم خواستم بپریم ولی وزم زیاد شده، اگر بخورم زمین می‌پکم. آب لتیان خشک شده. یک نفر چینی گفته تهران باید تخلیه شود. به همین خاطر بسیاری از مردم از تهران سفر کرده یا در خانه جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند. به حنا(چی) زنگ زد مردم نتوانند راحت از تهران بیرون بروند، قبول کرد و گفت کارشناسان گفته‌اند اگر باد بیاید، هم بوی بد کم می‌شود هم آلودگی. با هوشناسی تماس گرفتم و این را به اطلاعاتشان رساندم. قدری مطالعه داشتم. عجب آدمی بوده این گابریل گارسیا مارکزا تماس گرفتم با آذری (چهرمی) گفتیم اسم بهیادش را همین بگذار. قسدی خوابیدم ولی بچه‌ها شلوغ کردند بیدار شدم. گفتیم مگه شماها درس و مشق ندارید؟ خندیدند گفتند خودتان مدرسه‌ها را تعطیل کردید. من هم خندیدم. دود رفت تو سوی ریه‌هایم و اشکم درآمد. داداش رفته شکار به یاد قدیم که دسته‌جمعی می‌آمدیم لتیان، چه روزهایی بود. هر وقت مشکلی پیش می‌آمد تا رفع خطر می‌آمدیم لتیان جت اسکی و شناسا. کاش باها هنوز زنده بود. زنگ زدیم هلی کوپتر بیاید ما را برود یک‌جای دیگر. نیامد. گفت وسط راه بنزینش تمام شده....



بلاغیه معاون اول

با ترکه ی انار حوالی پاستور می زد قدم معاون اول، پروفسور

می گفت با خودش: «به کجاها رسیده‌ام؟! آخر چگونه جمع کنم یک گروه گر؟!»

تا همصدا شوند به تصویب بودجه تا بی بهانه رای بریزند گر و گر»

ناگاه زد جرقه به ذهن مبارکش پیدا شد ز کرانه ی دریای فکر، دُر

«بلاغیه چه فکر چنگی است! اینچنین بر هر شقیقه ای بنشانم، تنگ پُر

تا که رجال مجلسی بی اراده نیز کمتر میان این ور و آن خوردند بُر

زین پس اگر مخالفتی بشنوم به جد با ترکه ی انار کنم شخص را ترور»

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: امین صالحی
دبیر سرویس شعر: زهرا فرقاتی
دبیر سرویس کارتون: کامران باری
دبیرفنی: مهدی نظری
صفحه آر: حسین شهریاری مزرعه امامی

با ما بتماسید!
رایانامه: info@rahrahtanz.ir
سروش: tanzym_ir
ایتا: tanzym_ir
بله: tanzym_ir